

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه لرستان

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

گروه: تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد "M.A"

رشته: تاریخ گرایش ایران اسلامی

عنوان:

بررسی و تحلیل روابط صفویه و عثمانی در عصر شاه صفی

(۱۰۵۲ - ۱۰۳۸ هـ.ق)

استاد راهنما:

دکتر جهانبخش ثواقب

استاد مشاور:

دکتر محسن رحمتی

نگارش:

طاهره زکیئی

شهریور ۱۳۹۳

بسمه تعالی



دانشگاه لرستان

تاریخ:

شماره:

پیوست:

همه امتیازات این پایان نامه به دانشگاه لرستان تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام و یا بخشی از مطالب آن در مجلات، کنفرانس ها یا سخنرانی ها باید نام دانشگاه (یا استاد یا اساتید راهنمای پایان نامه) و یا نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

## سپاس نامه:

از زحمات استاد گرانقدر جناب آقای دکتر جهانبخش ثواقب که با سعه صدر فراوان راهنما و مشوقم بوده و با دقت نظر بسیار از نظریات عالمانه خود مرا بهره‌مند نموده است، بی‌نهایت سپاس گزارم.

نیز از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محسن رحمتی، استاد مشاور، که در انجام این رساله یاری‌ام نمودند کمال تقدیر و سپاس را دارم.

و سپاس از همه‌ی کسانی که به نوعی در سامان یافتن این پژوهش مرا یاری و مساعدت دادند.

## چکیده

مناسبات دولت صفویه با همسایه غربی خود، دولت عثمانی، از همان زمان شاه اسماعیل اول (۹۳۰-۹۰۷ ه.ق.) توأم با کشمکش و ستیزه و درگیری‌های نظامی بود. نقطه عطف این ستیزه‌ها جنگ چالدران (در سال ۹۲۰ ه.ق.) بود که درگیری‌های درازمدت بعدی را در پی داشت. با مرگ شاه عباس اول در ۱۰۳۸ ه.ق. که در حیات خود توانسته بود چند بار عثمانیان را شکست دهد، و در آغاز سلطنت شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ه.ق.)، بار دیگر عثمانیان در حمایت از یک شاهزاده شورشی و فراری گرجی، به ایران لشکر کشیدند. با این اقدام، پادشاه صفوی درگیر یک جنگ ده ساله (۱۰۴۹-۱۰۳۹ ه.ق.) شد که سرانجام به شکست او و جدایی بغداد و بین‌النهرین از حاکمیت صفویه انجامید. این دوره از جنگ‌ها با انعقاد معاهده صلح زهاب (۱۰۴۹ ه.ق.) به انتها رسید و به حدود یک سده و نیم ستیزه بین دو همسایه پایان داد. در این پژوهش؛ مناسبات نظامی دو دولت صفویه و عثمانی در عصر شاه صفی به هدف تبیین چگونگی رابطه‌ی طرفین در این دوره، تحلیل زمینه‌ها و علل این مناسبات و پیامدهای آن در حیات سیاسی و نظامی دو همسایه، بررسی جایگاه بین‌النهرین و عراق در روابط بین دو دولت، و پیامدهای معاهده زهاب در اوضاع داخلی و خارجی دولت صفویه، بررسی می‌شود. این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی است که با توجه به ماهیت موضوع، پژوهشی توصیفی - تحلیلی است و در چهار فصل سامان یافته است. در فصل نخست؛ کلیات پژوهش مطرح شده است. در فصل دوم؛ تحولات سیاسی صفویه از آغاز تا شاه صفی (۱۰۳۸-۹۰۷ ه.ق.) و در فصل سوم؛ زندگی شاه صفی و تحولات عصر وی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ه.ق.) مورد بررسی قرار گرفته است. فصل چهارم نیز به مناسبات نظامی شاه صفی با عثمانی پرداخته که زمینه‌ها، عوامل، روند، پیامدها و نتایج آن تبیین و تحلیل شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هدف دیرینه‌ی عثمانیان در تصرف ایران و براندازی دولت شیعی صفوی در جوار مرزهای خود، عامل اصلی تهاجمات دولت عثمانی به این کشور بوده است؛ اما از تنش‌های داخلی و کانون‌های بحران نظیر گرجستان به عنوان ابزاری در رسیدن به هدف خود بهره می‌گرفتند. همچنین موقعیت مهم اقتصادی و مواصلاتی بین‌النهرین و وجود اماکن مقدس شیعی در عراق، این ناحیه را برای صفویه مهم کرده بود و تلاش صفویه برای اعمال حاکمیت خویش بر این ناحیه، آن‌ها را به رویارویی با عثمانی، که آنان نیز عراق را کانون ارتباط خود با خلیج فارس می‌دانستند، قرار می‌داد. این هر دو مورد در عصر شاه صفی نیز صادق بود و موجب درگیری‌های طرفین گردید. علاوه بر این، معاهده زهاب که در این دوره واقع شد، موجب یک دوره‌ای از صلح و آرامش و امنیت مرزی بین دو دولت ایران و عثمانی شد و به تنش‌ها و ستیزه‌های درازمدت پایان داد، اما پیامدهای ناگواری را نیز برای دولت صفوی در پی داشت.

واژگان کلیدی: صفویه، عثمانی، شاه صفی، سلطان مراد چهارم، بغداد، معاهده زهاب

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات پژوهش

۲	۱ + - مقدمه
۴	۱-۲- بیان مسأله
۴	۱-۳- پرسش‌های پژوهش
۵	۱-۴- فرضیه‌های پژوهش
۵	۱-۵- پیشینه‌ی موضوع
۶	۱-۶- ضرورت‌ها و اهداف پژوهش
۷	۱-۷- روش پژوهش
۷	۱-۸- ساختار پژوهش
۸	۱-۹- مروری بر منابع پژوهش

### فصل دوم: تحولات سیاسی صفویه از آغاز تا شاه صفی

۱۹	۲-۱- ظهور صفویه
۲۰	۲-۲- اسماعیل اول، بنیانگذاری حاکمیت صفویه
۲۲	۲-۳- طهماسب اول، تثبیت حاکمیت صفویه
۲۵	۲-۴- جانشینان طهماسب، آشفتگی سیاسی صفویه
۳۰	۲-۵- سلطنت عباس اول، اقتدار دولت صفوی

## فصل سوم: اوضاع سیاسی عصر شاه صفی

- ۳۵ ۳-۱- زندگانی و حیات فردی شاه صفی
- ۴۱ ۳-۲- سیاست داخلی شاه صفی
- ۴۹ ۳-۳- تحولات سیاسی عصر شاه صفی

## فصل چهارم: مناسبات نظامی ایران و عثمانی در عصر شاه صفی

- ۵۵ ۴-۱- زمینه‌ها و علل درگیری‌های نظامی صفویه و عثمانی از ۹۰۶ تا ۹۳۰ه.ق.
- ۶۴ ۴-۲- مناسبات صفویه و عثمانی از ۹۳۰ تا ۱۰۳۸ه.ق.
- ۶۹ ۴-۳- مناسبات شاه صفی و عثمانی از ۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ه.ق.
- ۶۹ ۴-۳-۱- علل و موجبات درگیری‌های نظامی
- ۷۱ ۴-۳-۲- آغاز درگیری‌های نظامی
- ۷۳ ۴-۳-۳- تصرف شهرزور
- ۷۴ ۴-۳-۴- جنگ مریوان
- ۷۸ ۴-۳-۵- درگیری هرسین
- ۷۹ ۴-۳-۶- نبرد بغداد
- ۸۰ ۴-۳-۷- اخراج نیروهای عثمانی از ولایت اردلان
- ۸۱ ۴-۳-۸- فتح حله
- ۸۴ ۴-۳-۹- تصرف وان
- ۸۷ ۴-۳-۱۰- جنگ ایروان
- ۹۰ ۴-۳-۱۱- جنگ بغداد، شکست نظامی شاه صفی
- ۹۴ ۴-۴- نقش بین‌النهرین و بغداد در مناسبات ایران و عثمانی
- ۹۶ ۴-۵- پیامدهای صلح زهاب

## پیوست‌ها

- ۱۰۵ .۱. نامه‌ی شاه صفی به سلطان مراد چهارم
- ۱۰۸ .۲. جواب سلطان مراد به نامه شاه صفی
- ۱۱۱ .۳. صلح‌نامه شاه صفی و سلطان مراد چهارم
- ۱۱۴ . ۴. ترجمه متن معاهده یا سرحدنامه
- ۱۱۶ . ۵. نامه سلطان مراد چهارم به شاه صفی
- ۱۱۸ .۶. نامه شاه صفی به سلطان مراد چهارم
- ۱۲۲ . ۷. نامه شاه صفی به سلطان ابراهیم خان

## منابع و مآخذ

- ۱۲۵ الف) منابع تاریخی
- ۱۲۸ ب) پژوهش‌های جدید



فصل اول:

کلیات پژوهش

دولت صفویه از همان اوان تأسیس (۹۰۷ ه.ق) با همسایگان خود در شرق و غرب کشور، مناسباتی پیدا کرد که وجه غالب آن درگیری‌های نظامی و اختلاف و ستیزه بود. عثمانیان، اوزبکان و گورکانیان هندوستان که دو دولت اخیر تقریباً همزمان با صفویه شکل گرفتند، قدرت‌هایی هستند که در خلال دو سده به صورت‌های گوناگون، دولت صفویه به آن‌ها اشتغال داشته است. در میان این دولت‌ها، تنش میان صفویه با عثمانیان و اوزبکان شدیدتر بوده و این ستیزه‌ها جنگ‌های مهمی را بین طرفین شکل داده است. اختلاف مذهبی صفویه با این همسایگان (اختلاف تشیع و تسنن) و توسعه‌طلبی سیاسی هر کدام از این دولت‌ها که قصد گسترش قلمروی خود را به زیان دیگری داشت، و عوامل متعدد دیگر زمینه‌ی اختلافاتی را بین آن‌ها فراهم نمود که سال‌ها این دولت‌ها را به یکدیگر مشغول ساخت. درگیری‌های عثمانیان با صفویان که از همان آغاز با رویارویی دو حریف قدرتمند یعنی سلطان سلیم عثمانی و شاه اسماعیل صفوی در جنگ چالدران (۹۲۰ ه.ق) رخ داد، در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت. اختلاف ایران و عثمانی بر سر بین‌النهرین و بغداد و گرجستان و تحریک کردهای نواحی غربی توسط عثمانی‌ها علیه ایران و حمایت از پناهندگان ایرانی به خاک عثمانی و دیگر عوامل، بارها موجب شد که صفویه با همسایه غربی خود عثمانی به جدال برخیزد که بی‌شک خسارت‌ها و پیامدهای نامطلوبی برای هر دو کشور به جا گذاشت. ولی در مجموع صفویان با مقاومت در برابر عثمانیان توانستند که وحدت سیاسی و استقلال کشور و حاکمیت مذهب تشیع را در داخل مرز و بوم ایران حفظ کنند؛ اگرچه به زیان عثمانی ناچار شدند با کشورهای اروپایی متحد شده و دنیای مسیحی را به اتحاد علیه عثمانی فرا خوانند. همین دشمنی و رقابت‌ها موجب پدید آمدن مرزبندی‌های سیاسی و در نتیجه افول پیوندهای فرهنگی دو کشور و کاسته شدن حوزه نفوذ فرهنگی ایران در آسیای صغیر شد.

درگیری‌های اوزبکان با صفویان نیز که از همان آغاز با رویارویی دو حریف قدرتمند یعنی محمدخان شیبانی (شیبک خان) اوزبک با شاه اسماعیل صفوی پدید آمد و در دوره‌های بعد ادامه یافت، بیش‌تر بر سر

ولایت خراسان بود که از نظر سوق‌الجیشی و اقتصادی مهم بود و اوزبکان قصد تصرف آن را داشتند و صفویان نیز برای حفظ آن و تثبیت مرزهای شرقی بارها به مقابله‌ی این همسایه‌ی مهاجم رفتند. اتحاد عثمانی و اوزبکان که عامل اتحاد مذهب در آن نقش مهمی داشت، کار مبارزه‌ی صفویان را با این قدرت‌ها دشوار می‌کرد، لیکن نسبت به عثمانی که از نظر بنیه‌ی نظامی و سلاح‌های آتشین بر صفویه غلبه داشت، اوزبکان چنان قدرت شکست‌ناپذیری برای صفویه نبودند.

تنش‌های بین صفویان و گورکانیان نیز غالباً حول مسأله قندهار شکل می‌گرفت که از ابتدای صفویه تا پایان بارها این شهر بین دو دولت دست به دست شد و هیچ‌گاه به طور قطعی در دست یکی از دولتین باقی نماند. اگرچه رابطه‌ی صفویه با گورکانیان مسالمت‌آمیزتر از آن دو قدرت دیگر بود و درگیری‌های نظامی شدید بین دو کشور، نظیر چالدران یا مرو و جام، پدید نیامد، اما تلاش دو کشور برای حاکمیت بر قندهار، گاه مشکلات جدی را در مناسبات صفویه و گورکانیان پدید می‌آورد.

در حاکمیت شاه صفی، دولت ایران در ادامه‌ی مناسبات خود با همسایگان، با هر سه دولت مسأله پیدا کرد. شاه صفی به دلیل آن که سعی داشت از وارد شدن در عملیات نظامی گسترده پرهیز نماید، در ابتدا سیاست آرامی را در قبال همسایگان پیش گرفت. اما این سیاست موجب دلیری برخی از مرزداران و سرداران این همسایگان، به ویژه عثمانیان و اوزبکان گشت. در نتیجه در عهد او، آثار عدم امنیت مرزی در مرزهای کشور و ضعف‌های پیاپی نظامی پدیدار گشت. اوزبکان مجدداً خراسان را مورد تاخت و تاز قرار دادند و بارها دست به تهاجم و قتل و غارت زدند. شاه صفی ناچار با تغییر سیاست مدارا و نرمش خود در برابر اوزبکان، موضع شدیدتری گرفت و سرداران او سرانجام توانستند که اوزبکان را به شکست و تن دادن به مصالحه و برقراری رابطه‌ی مسالمت‌آمیز وادار نمایند.

عثمانیان نیز حمله‌ی گسترده‌ی خود را به مناطق غربی کشور، کردستان، آذربایجان و گرجستان آغاز کردند که منجر به بروز درگیری‌های متعدد بین طرفین و خسارت‌ها و تلفات انسانی زیادی شد. این جنگ‌ها حدود یک دهه با شدت و ضعف ادامه یافت و سرانجام در ۱۰۴۸ ه.ق.، عثمانیان توانستند با شکست دادن شاه صفی، بغداد و بین‌النهرین را از ایران جدا کنند و ضعف نظامی شاه صفی در برابر همسایه غربی کاملاً پدیدار شد. گورکانیان هند نیز در این دوره به راحتی توانستند شهر مهم قندهار را از دست شاه صفی خارج کنند. او که گرفتار جنگ با عثمانی و درگیری‌های پراکنده با اوزبکان بود ناچار وضع موجود را به امید فراهم شدن فرصت مناسب تحمل کرد و تلاش‌های او به نتیجه‌ای منجر نشد.

## ۱-۲- بیان مسأله

با روی کار آمدن شاه اسماعیل اول (۹۳۰-۹۰۷ه.ق.) و برافتادن ملوک الطوائفی و استقرار مذهب شیعه، دولت متمرکزی در ایران در دوره سلاطین صفویه به وجود آمد که از شهرت و اعتبار خاصی در دنیای آن روز برخوردار شد. در همین زمان، امپراطوری عثمانی هم با کوشش سلطان محمد دوم (۸۸۶-۸۵۵ه.ق./ ۱۴۸۱-۱۴۵۱م.) فاتح قسطنطنیه و سلطان سلیم اول (۹۲۶-۹۱۸ه.ق./ ۱۵۲۰-۱۵۱۲م.) قدرتی به هم رسانید و رقیب بزرگی برای دولت صفویه گردید. تشکیل دولت صفویه در ایران، مانع و سدی در برابر فتوحات و پیشروی‌های امپراطوری عثمانی در مشرق شد. از این رو بر اثر عوامل متعددی از همان آغاز صفویه مناسبات این دولت با عثمانیان، یک مناسبات نظامی و خصمانه بود که حاصل آن جنگ‌ها و زدوخوردهای متعدد، خسارات و خرابی منابع اقتصادی و تلفات نیروی انسانی و دشمنی و ستیزه و ناامنی مرزی و بهره‌وری کشورهای غربی از این اختلاف دو همسایه، و موارد دیگر؛ بود. ستیزه‌های دو دولت در خلال سده دهم و در سده یازدهم تا انعقاد معاهده‌ی صلح زهاب (۱۰۴۹ه.ق./ ۱۶۳۹م.) در ایام پادشاهی شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ه.ق.) ادامه داشت و بارها دو کشور را به مصاف یکدیگر کشانید. در این پژوهش؛ مناسبات نظامی دو دولت صفویه و عثمانی در عصر شاه صفی به هدف تبیین چگونگی رابطه‌ی طرفین در این دوره، تحلیل زمینه‌ها و علل این مناسبات و پیامدهای آن در حیات سیاسی و نظامی دو همسایه، بررسی جایگاه بین‌النهرین و عراق در روابط بین دو دولت، و پیامدهای معاهده‌ی زهاب در اوضاع داخلی و خارجی دولت صفویه، بررسی می‌شود.

## ۱-۳- پرسش‌های پژوهش

اساس این پژوهش بر طرح یک پرسش اصلی و دو پرسش فرعی بدین شرح قرار دارد:

**پرسش اصلی:**

۱- عامل مهم در صورت‌بندی مناسبات صفویه- عثمانی در عصر حاکمیت شاه صفی چه بوده است؟

**پرسش‌های فرعی:**

۱- جایگاه بین‌النهرین و عراق برای دولت صفویه چگونه بوده است؟

۲- معاهده‌ی صلح زهاب چه پیامدهایی در عرصه داخلی و خارجی حکومت شاه صفی داشت؟

#### ۱-۴- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پیشنهادی که بتوان بر مبنای آن‌ها روند تحقیق را ادامه داد و پاسخ‌های مناسبی برای پرسش‌های مذکور ارائه کرد، از این قرار است.

#### فرضیه اصلی:

۱- هدف دیرینه‌ی عثمانیان در تصرف ایران و براندازی دولت شیعی صفوی در جوار مرزهای خود، عامل اصلی تهاجمات دولت عثمانی به این کشور بوده است؛ اما از تنش‌های داخلی و کانون‌های بحران نظیر گرجستان به عنوان ابزاری در رسیدن به هدف خود بهره می‌گرفتند.

#### فرضیه‌های فرعی:

۱- موقعیت مهم اقتصادی و مواصلاتی بین‌النهرین و وجود اماکن مقدس شیعی در عراق، این ناحیه را برای صفویه مهم کرده بود و شاه صفی تلاش داشت که آن را در حاکمیت خود نگه دارد، اگرچه ناموفق بود.

۲- معاهده‌ی زهاب موجب یک دوره‌ای از صلح و آرامش و امنیت مرزی بین دو دولت ایران و عثمانی شد و به تنش‌ها و ستیزه‌های درازمدت پایان داد، اما پیامدهای ناگواری را نیز برای دولت صفوی در پی داشت.

#### ۱-۵- پیشینه‌ی موضوع

به‌رغم گزارش‌های پراکنده روایی که مورخان رسمی صفویه در باره حوادث و مناسبات صفویه و عثمانی ارائه کرده‌اند که آگاهی‌های اولیه را برای سامان دادن این پژوهش به دست می‌دهند، پژوهش‌های جدید بیشتر به روابط عثمانی و صفویه از آغاز تا دوره شاه عباس اول پرداخته و این مناسبات را در دوره شاه صفی مورد توجه قرار نداده‌اند. سیوری (۱۳۷۲) در ایران عصر صفویه هیچ اشاره‌ای به این موضوع ندارد. نوایی (۱۳۷۷) و همو همراه با غفاری‌فرد (۱۳۸۱) در حدّ دو صفحه و بیانی (۱۳۵۳) در تاریخ نظامی خود شامل جنگ‌های دوره صفویه، تنها چند صفحه را به گزارش اسکندربیک در ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی در

باره جنگ شاه صفی با سلطان مراد چهارم، اختصاص داده‌اند. مجیرشیبانی (۱۳۴۷) سیاست صلح و دوستی شاه اسماعیل صفوی با امپراتوری عثمانی را موضوع مقاله خود قرار داده و همو (۱۳۴۹) به روابط دو کشور ایران و عثمانی پرداخته که هر دو مقاله؛ عصر شاه صفی را دربر نمی‌گیرند. فلسفی (۱۳۴۸) جنگ چالدران را مطرح کرده که نخستین درگیری صفویه و عثمانی است و همو (۱۳۶۹) در بررسی سیاست خارجی شاه عباس اول، روابط این پادشاه با عثمانی را مطرح نموده که طبیعتاً دوره شاه صفی را دربر نمی‌گیرد. روایت پورایران (۱۳۸۴) از روابط ایران و عثمانی در عهد صفویان مروری ساده و اجمالی است از این موضوع و حوادث عصر شاه صفی را در سه صفحه آورده است. شاملی (۱۳۸۲) ریشه‌های چالش و درگیری میان صفویان و عثمانیان را بررسی نموده و دهقانی (۱۳۸۴) در تحلیلی عوامل واگرایی در روابط عثمانی - صفویه را با تأکید بر سه عامل مذهبی، سیاسی، اقتصاد و تجارت جهانی مطرح کرده که گستره‌ی هر دو مقاله شامل سال‌های آغازین صفویه است. حاجیان‌پور (۱۳۸۷) نیز تأثیر روابط عثمانیان و اوزبکان را بر حیات دولت صفوی، آن هم پیش از عصر شاه صفی بررسی کرده است. در این میان، صادقی (۱۳۸۴) به چالش‌های ایران و اروپا بر سر مسأله‌ی عثمانی پس از معاهده زهاب تا سقوط صفویه پرداخته که دوره عدم تمایل ایران به جنگ با عثمانی است و تلاش‌های اروپاییان در دامن زدن به ستیزه بین دو همسایه با ناکامی مواجه می‌شود. بدین ترتیب درباره‌ی موضوع این پژوهش یعنی بررسی رابطه‌ی صفویه و عثمانی در عصر شاه صفی به صورت مستقل و به شیوه تحلیلی و رویکرد پژوهشی، کار ویژه‌ای صورت نگرفته و پژوهش حاضر می‌تواند به شکل ویژه، مناسبات دو کشور را در این دوره بررسی کند و این کمبود پژوهشی را برطرف نماید.

## ۱-۶- ضرورت‌ها و اهداف پژوهش

بررسی و شناخت عوامل هم‌گرایی و یا ستیزه و دشمنی (واگرایی) میان دولت‌های همسایه در برهه‌های تاریخی به منظور پرهیز از کشمکش‌های دوجانبه و تقویت مبانی استحکام پیوند دولت‌ها در شرایط کنونی، از ضرورت‌هایی است که یک پژوهش تاریخی می‌تواند به آن دست یابد و پژوهش حاضر نیز بر مبنای همین ضرورت انجام یافته است. از این رو، اهداف این پژوهش عبارت‌اند از:

۱ - بررسی و تبیین چگونگی رابطه‌ی صفویه و عثمانی در عصر شاه صفی؛

- ۲ - بررسی و تحلیل زمینه‌ها و علل این رابطه؛
- ۳ - بررسی جایگاه بین‌النهرین و بغداد در روابط بین دو دولت؛
- ۴ - بررسی پیامدهای این رابطه در حیات سیاسی - نظامی دو همسایه.

#### ۱-۷- روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی است که با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش توصیفی - تحلیلی است و بر اساس گردآوری اطلاعات از منابع تاریخی و تجزیه و تحلیل این اطلاعات بر مبنای پرسش‌های مطرح شده، موضوع پژوهش سامان‌دهی شده است. روش گردآوری اطلاعات نیز مبتنی بر پژوهش کتابخانه‌ای است که با ابزار فیش، به شیوه‌ی فیش‌برداری از منابع، دسته‌بندی فیش‌ها با توجه به عناوین اصلی و فرعی موضوع، انجام گرفته است.

#### ۱-۸- ساختار پژوهش

پژوهش حاضر که با هدف تحلیل رابطه‌ی صفویه و عثمانی در عصر شاه صفی در خلال سال‌های ۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ ه.ق. فراهم آمده در چهار فصل تنظیم شده است و در این فصول کوشش شده تا براساس تعلیل و ریشه‌یابی وقایع، هدف مورد نظر در حد میسور تبیین گردد.

در فصل اول، کلیات پژوهش شامل مقدمه، تعریف مسأله، پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، روش پژوهش، پیشینه‌ی پژوهش، مروری بر منابع و ساختار پژوهش تنظیم شده است که اساس کار پایان‌نامه را تبیین می‌کند.

فصل دوم، چشم‌انداز کلی است بر تحولات سیاسی صفویه از آغاز تا شاه صفی که مدخلی است برای ورود به مقوله‌ی اصلی پژوهش. زیرا مروری بر تحولات پدید آمده در عرصه سیاسی که در دراز مدت در زمینه‌سازی سلطنت شاه صفی تأثیر داشته ضروری می‌نماید. تلاش شاه اسماعیل اول برای دستیابی به حاکمیت و تثبیت قدرت و پایه‌گذاری دولت صفویه، منازعات و جدال درونی و تهاجمات گسترده‌ی همسایگان: عثمانیان و اوزبکان به مرزهای غرب و شمال شرق کشور در دوره طهماسب اول، تحولات ایام

جانشینان پهماسب که جلوه‌ای از نابسامانی داخلی و ناتوانی سیاسی صفویه بود و سرانجام سلطنت عباس اول که دوره‌ی اقتدار دولت صفوی و شکوفایی اقتصادی آن بود، زمینه‌هایی است که در این فصل بر آن تأکید شده است.

در فصل سوم، اجمالی از زندگانی شاه صفی به عنوان شخصیتی که موضوع اصلی پژوهش حول او شکل می‌گیرد و نیز تحولات عصر وی با تأکید بر سیاست داخلی و خارجی مطرح شده است.

فصل چهارم نیز بررسی سیاست شاه صفی با عثمانی است. با زمامداری شاه صفی و در نتیجه‌ی آشکار شدن ضعف او و فرصت پدید آمده در اثر مرگ شاه عباس و تغییر زمامداری، سپس ناتوانی‌های نظامی شاه صفی، مرزهای کشور دچار آشفتگی شد و بار دیگر تهاجم همسایگان به قلمرو صفوی آغاز گشت. وقوع درگیری‌های نظامی بین ایران و عثمانی که سرانجام به جدا شدن بغداد و بین‌النهرین از ایران و انعقاد صلح زهاب منجر شد از تحولات عمده‌ی نظامی میان صفویه و همسایه غربی خود در عصر شاه صفی است. در این فصل، عوامل و زمینه‌های دشمنی و سیر تاریخی درگیری‌های صفویان با عثمانیان و عوامل این مناسبات، پیامدها و نتایج آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

#### ۹-۱- مروری بر منابع پژوهش

یکی از ویژگی‌های دوره‌ی صفویه، وجود منابع غنی و متعدد اعم از تواریخ مورخان داخلی آن عصر و نیز سفرنامه‌های متعدد اروپاییان است که در قالب هیأت‌های سیاسی، مذهبی، سیاح و ماجراجو و تاجر و فروشنده به ایران سفر کردند و شرح مشاهدات خود را همراه با اطلاعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران عصر صفویه به نگارش درآوردند. به‌رغم وجود چنین منابعی درباره‌ی کلیت تاریخ صفویه، دوره‌ی مورد نظر این پایان‌نامه یعنی عصر زمامداری شاه صفی چندان مورد توجه مورخان متقدم قرار نگرفته و محققین جدید نیز که درباره‌ی اوضاع ایران در دوره‌ی دیگر سلاطین پیش از شاه صفی تحقیقات ارزنده‌ای ارائه داده‌اند، اما به طور خاص دوره‌ی شاه صفی مطمح نظر آنان قرار نگرفته است. شاید عدم وجود عملیات نظامی برجسته و حوادث سیاسی عمده در زمامداری شاه صفی که معمولاً مورد توجه مورخان قدیم بوده و تاریخ‌نگاری آنان براساس وقایع سیاسی - نظامی مبتنی بود یکی از عوامل این کم-



شماری منابع است. با این وجود می‌توان واقعه‌نگارانی را مطرح کرد که به حوادث عصر شاه صفی پرداخته‌اند و گزارش‌های آنان حداقل در زمینه‌های سیاسی نظامی می‌تواند محقق را یاری رساند.

اثر محمد معصوم بن خواجگی اصفهانی به نام *خلاصه‌السير*<sup>۱</sup> کتاب مستقلى است در تاريخ وقايع و حوادث سراسر روزگار پادشاهی شاه صفی که مؤلف آن از افراد اردو و مأموران دستگاه آن پادشاه بوده است. به نقل خود مؤلف وی زمانی که نزد پدرش می‌زیست به مطالعه‌ی کتب و شغل نویسندگی اوقات صرف می‌نمود. در عهد پادشاهی شاه عباس به خدمت در اردوی دولتی وارد گشت و منصب «اشراف شترخان» را یافت و به این مناسبت مدت دوازده سال در سفر و حضر در اردوی پادشاهی بود و چون از طرز کارش رضامندی حاصل شده بود «اشراف طویله» (اشراف اصطبل) ضمیمه‌ی کار و منصب پیشین او شد.

محمد معصوم چون دارای سواد ادبی و ذوق شعری بود و متون بعضی از تواریخ را می‌خواند طرف صحبت شاه عباس اول و سپس شاه صفی بود و حسب وظیفه در اغلب سفرهای شاه همراه اردو می‌بود. وی در ابتدا قصد نگارش تاریخ عمومی از اول آفرینش عالم تا زمان خویش را به طور خلاصه می‌کند اما شاه صفی او را از انجام این کار باز می‌دارد و مؤلف را مکلف می‌نماید که به نگارش احوال و اخبار روزگار او به طور تفصیل بپردازد. از این روی، از بخش‌های دیگر کتاب *خلاصه‌السير* تاکنون چیزی دیده نشده و قسمت پادشاهی روزگار شاه صفی را خود «مقصد سیم از مطلب چهارم» عنوان داده و همین متن باقی مانده است. مؤلف به دلیل حضورش در اردو و در سفرهای شاه، اطلاعاتی را در کتاب مندرج ساخته که مبتنی بر مشاهدات و مسموعات و اطلاعات شخصی او از وقایع و حوادث و سفرها و جنگ‌هاست.

*خلاصه‌السير* علاوه بر دارا بودن تاریخ جنگ‌های داخلی و خارجی شاه صفی، نکات بسیاری در ارتباط با مسائل مدنی و اجتماعی آن روزگار به دست می‌دهد. این مورخ که مدت طولانی را در خدمت دربار صفوی گذرانیده وقایع را در جانبداری دولت صفویه نگاشته و در تمجید و مدح نیروهای نظامی صفوی در مقابله با دشمنان - که وی با آنها به دیده دشمنی می‌نگرد - عبارت‌پردازی‌ها کرده و همه جا شاه صفی را با لقب «حضرت ظل‌اللهی» یاد می‌کند. از این نظر غلو و گرافه‌گویی درباره‌ی شاه صفی در این اثر بسیار است و نسبت به قیام‌ها و حرکت‌های مخالف دولت خصومت ورزیده و لحن او نسبت به دشمنان صفویه

۱ - اصفهانی، محمد معصوم بن خواجگی، *خلاصه‌السير*، تاریخ روزگار شاه صفی صفوی، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۸.

۲ - شترخان = اشترخان: طویله شتر. اشراف شتریان: رئیس اصطبل شاهی.

کینه‌توزانه است. بنابراین کار محقق را در فهم ریشه‌یابی حوادث دچار مشکل می‌کند که نیاز به دقت و ظرافت خاصی است. تأکید این اثر بیشتر بر حوادث سیاسی و نظامی به شیوه اجمال و مبادله‌ی سفرا و این گونه امور است.

اسکندریبگ ترکمان ملقب به منشی از دیگر مورخان عصر صفوی است که حوادث پنج سال اولیه‌ی سلطنت شاه صفی را در **ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی** نگاشته است. اسکندریبگ که اصلاً از ایل چادرنشین ترکمان آذربایجان بوده است نخست جزو نگهبانان شاهی و سپس در دستگاه مرکزی حکومت شاه عباس خدمت می‌کرد. وی با استفاده از بایگانی دولتی که در دسترس داشت و این که شاهد عینی و یا شریک بسیاری از وقایع سیاسی بود در سال ۱۰۳۹ ه.ق. / ۱۶۲۹ م. تاریخ حکومت شاه عباس اول را تحت عنوان «تاریخ عالم‌آرای عباسی»<sup>۱</sup> تنظیم کرد. این تألیف مرکب از یک مقدمه درباره‌ی تاریخ ایران در عهد نخستین سلاطین صفوی تا سال ۹۷۹ ه.ق. و دو صحیفه است که در صحیفه نخست تاریخ ایران را مفصلاً از ۹۷۹ تا ۹۹۶ ه.ق. (۱۵۸۷ - ۱۵۷۱ م.) یعنی از تاریخ تولد شاه عباس اول تا جلوس وی بر تخت سلطنت نقل می‌کند. صحیفه دوم خود مشتمل بر دو «مقصد» است. مقصد اول در شرح وقایع سی سال اول حکومت شاه عباس اول و مقصد دوم وقایع دوره‌ای که از سال ۱۰۲۵ ه.ق. / ۱۶۱۶ م. شروع و تا آغاز سال ۱۰۳۹ ه.ق. یعنی درگذشت شاه عباس اول پایان می‌یابد.

**تاریخ عالم‌آرای عباسی** اثری است که از لحاظ تاریخ ثلث آخر سده دهم هجری / شانزدهم میلادی، و ثلث اول سده یازدهم هجری / هفدهم میلادی ایران واجد ارزش فوق‌العاده می‌باشد و مؤلف خود شاهد و ناظر بسیاری از وقایع و حوادث آن دوران بوده و این امر از ویژگی‌های برجسته و امتیاز خاص این اثر است. با این که طبق سنت قدیمی تاریخ‌نگاری در اثر اسکندریبگ منشی نیز تاریخ نظامی مقام اول را حائز است، اما به حکومت داخلی و امور مالی و طرز وصول مالیات‌ها نیز توجه فراوان شده است. در بخش‌های مختلف این اثر، اطلاعات ارزنده‌ای درباره‌ی انواع مالکیت ارضی و قبایل چادرنشین و امیران آن‌ها و از هم پاشیدگی قدرت امیران محلی متنفذ و غیره به چشم می‌خورد. مؤلف در اثر خود به تاریخ بعضی از نواحی و قیام‌های مردم به تفصیل پرداخته است هر چند با نگرشی در حمایت از صفویه به این گونه حرکت‌ها و قیام‌ها خصومت ورزیده است. مواد تراجم احوال در این اثر که شرح حال مختصری از امرای بزرگ

---

۱ - ترکمان منشی، اسکندریبگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۳ (در دو مجلد)، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر و کتابفروشی تأیید اصفهان، ۱۳۵۰. منشی، اسکندریبگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۷.

(رهبران قبایل ترکمن) مأموران نظامی، سادات، شیوخ و علما، وزرا، مستوفیان و اعضای دیوانسالاری، پزشکان، خوشنویسان، هنرمندان و شاعران این دوره است در جای خود ارزشمند است. از این اثر در بررسی پیشینه‌ی تاریخی حوادث سیاسی - نظامی عصر شاه صفی که نیازمند نگرش بر توالی وقایع در ازمنه پیش از وی بوده به‌ویژه عصر شاه عباس که نزدیک به دوره‌ی مورد نظر است، بهره‌ی شایان برده شده است.

گزارش‌های همین مورخ درباره‌ی وقایع پنج سال اولیه‌ی سلطنت شاه صفی در ذیلی که بر تاریخ عالم‌آرای عباسی نگاشته و شرح وقایع را تا سال ۴-۱۰۴۳ ه.ق. / ۴-۱۶۳۳ م. رسانیده در شناخت حوادث سیاسی نظامی دوران اولیه‌ی این پادشاه منبع ارزشمندی است که در تبیین این وقایع در پایان‌نامه از آن استفاده شده است. با این که برخی از ویژگی‌های خلقی و رفتاری شاه صفی در لابلای شرح حوادث به دست می‌آید، اما به دلیل فرا رسیدن مرگ اسکندربگ او نتوانسته که به اوضاع اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی عصر شاه صفی بپردازد. ضمن این که شرح او از حوادث سیاسی و نظامی این چند ساله نیز از روی جانبداری از صفویه و از دیدگاه نظام حاکم است که در تبیین این گونه مسائل نیازمند دقت و تأمل است. ذیل اسکندربگ با بقیه حوادث ایام شاه صفی که از کتاب «خلدبرین» تألیف محمدیوسف واله اصفهانی گرفته شده توسط سهیلی خوانساری با عنوان **ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی**<sup>۱</sup> منتشر شده است.

**تاریخ شاه صفی** تألیف سوانح‌نگار تفرشی<sup>۲</sup>، تاریخ‌نگار و سراینده‌ی دوره‌ی شاه عباس و شاه صفی، دربر دارنده‌ی تاریخ چهارده سال زمامداری شاه صفی از آغاز تا مرگ وی است. این اثر، افزون بر ارائه‌ی آگاهی‌های سودمند از اوضاع سیاسی و نظامی ایران در دوره‌ی حکومت شاه صفی، از لحاظ اشتغال بر اطلاعات پراکنده‌ی اجتماعی، شرح حال رجال دوره‌ی صفوی، آگاهی‌های جغرافیایی درباره‌ی شهرها، قریه‌ها و موقعیت آن‌ها و ... نیز مهم است. مهم‌ترین منبع آگاهی‌های مؤلف درباره‌ی حوادث دوران حکومت شاه صفی که وی دستور داشته آن‌ها را بنگارد، همان مشاهدات و شنیده‌های او بوده‌اند. این کتاب به لحاظ سبک نگارش در جزء آثار مصنوع، مسجع و پرتکلف سده یازدهم هجری قمری قرار دارد و به‌رغم موجز بودن آن، یک مجموعه‌ی مهم تاریخی، ادبی و اجتماعی است. به لحاظ شیوه تاریخ‌نگاری این اثر که سیاسی - نظامی است، گزارش‌های ارزنده‌ای درباره‌ی درگیری‌های صفویان با عثمانیان و اقدامات

۱ - ترکمان (منشی) اسکندربگ و محمدیوسف مورخ، ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح سهیلی خوانساری، تهران، چاپخانه اسلامی، ۱۳۷۱.

۲ - سوانح‌نگار تفرشی، ابوالمفاخر بن فضل‌الله الحسینی، تاریخ شاه صفی (تاریخ تحولات ایران در سال‌های ۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه.ق)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۸.

سرداران شاه صفی در مقابله با آن‌ها به دست داده است که در این پژوهش از این گزارش‌ها استفاده شده است.

**مبادی تاریخ زمان نواب رضوان مکان (شاه صفی)**، اثر میر محمدحسین تفرشی<sup>۱</sup> شامل وقایع تاریخی ایران در سه ساله‌ی نخست حکومت شاه صفی (۱۰۴۰-۱۰۳۸ ه.ق.) از دیگر منابع مرتبط با موضوع این رساله است. این اثر به دو قسمت جداگانه تقسیم می‌شود. قسمت نخست آن به تاریخ شاه صفی اختصاص دارد که ناتمام مانده و بخش دوم کتاب شامل مجموعه‌ای از منشآت (۷۵ نامه) است.<sup>۲</sup> تفرشی از رجال شناخته شده‌ی عصر شاه عباس یکم است که در خدمت حاتم‌بیگ اردوبادی، وزیر مشهور شاه عباس قرار داشت و به نوشته‌ی اسکندربیگ منشی «از سادات عالی درجات تفرش و به فضایل و کمالات علمی و عملی آراسته و در فن انشاء و تفنن عبارات و استعارات بامزه، سلیقه‌ی درست و رتبه‌ی عالی»<sup>۳</sup> داشته است. تفرشی از سوی شاه صفی مأمور نوشتن تاریخ سلطنت وی می‌شود و قصد داشته که سیر حوادث و وقایع عهد او را در یک مقدمه و چند باب بنویسد اما تنها موفق به نوشتن مقدمه و دو باب از آن می‌شود. از این روی آگاهی چندانی درباره‌ی روابط شاه صفی با همسایگان به‌ویژه عثمانی در اختیار قرار نمی‌دهد، اما در شناخت چهره‌ی شاه صفی و حوادث ایام چند ساله‌ی نخست سلطنت او مفید است.

**خلدبرین** تألیف میرزا محمدیوسف قزوینی اصفهانی، متخلص به واله، منشی مکاتبات شاهی، که از کتاب‌های تاریخی مهم عصر صفوی است در اصل تاریخ عمومی بزرگی است در هشت روضه و یک خاتمه که روضه آخر که بیش‌ترین بخش کتاب را تشکیل می‌دهد، حاوی تاریخ ایران در عهد صفویه است.<sup>۴</sup> روضه هشتم که در پادشاهی صفویان است خود در بر گیرنده‌ی هفت حدیقه است و در آن سرگذشت شاهان صفوی و حوادث ایام آنان را از شاه اسماعیل اول تا شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ ه.ق.) آورده و خاتمه کتاب نیز در شرح حال شاه سلیمان صفوی است. حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم وقایع دوران شاه صفی و شاه عباس دوم را دربر گرفته است. در این اثر که به سال ۱۰۷۸ ه.ق. نگاشته شده، حوادث به تفصیل بیان شده و حوادث سیاسی و نظامی برای مؤلف از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و در

۱- تفرشی، میر محمدحسین الحسینی، مبادی تاریخ زمان نواب رضوان مکان (شاه صفی)، ضمیمه تاریخ شاه صفی، تألیف ابوالمفاخر بن فضل‌الله

الحسینی سوانح‌نگار تفرشی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۸.

۲- بخش منشآت این اثر، جداگانه تصحیح و به چاپ رسیده است: تفرشی، محمدحسین بن فضل‌الله حسینی، منشآت تفرشی (مجموعه‌ای از نامه‌های اخوانی و دیوانی دوران صفویه)، پژوهش، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.

۳- منشی، اسکندربیگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۲، ص ۱۲۴۱.

۴- واله اصفهانی، محمدیوسف، خلدبرین، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.